

## نقد و بررسی سیاست جنایی مشارکتی ایران در رویارویی با مجرمین حرفه‌ای

عباس قجاوند<sup>۱</sup> قدرت اله خسروشاهی<sup>۲\*</sup>

### چکیده:

با عنایت به مطالعات و رویکردهای انتقادی نسبت به حقوق کیفری در مقابله با پدیده مجرمانه (سیاست جنایی در مفهوم مضیق) و به دنبال آن اعتقاد و قائل شدن به تغییر مسیر و ایجاد تحول در برخورد با بزهکاری و هنجارشکنی، چه در حوزه پیشگیری و پاسخ‌دهی و چه در حوزه باز اجتماعی نمودن بزهکاران در رسیدن به امنیت و ایجاد آرامش در جامعه، امروزه بر اندیشمندان و صاحب‌نظران حقوق کیفری و جرم‌شناسان پوشیده نیست که این مهم حاصل نمی‌گردد مگر اینکه مؤسسات، نهادها و مراجع مختلف اجتماعی در کنار و به موازات مراجع دولتی و با در نظر گرفتن معیارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و اعتقادی، مجموعاً مداخلاتی مؤثر، مفید و کارآمد در حوزه‌های واکنش علیه جرم داشته باشند که از آن با عنوان سیاست جنایی در مفهوم موسع یاد می‌کنیم. در این راستا از جمله اجزاء و ابعاد مهم این سیاست جنایی کارآمد، چنانکه بیان گردید، متمرکز است بر موضوع مشارکت جامعه مدنی از طریق مشارکت و همبستگی آحاد مختلف خود در مقابله و مهار پدیده مجرمانه که از آن با عنوان سیاست جنایی مشارکتی یاد می‌شود، پژوهش حاضر با تمرکز بر سیاست جنایی مشارکتی ایران و نیز اقلیتی از مجرمینی که همواره با ارتکاب درصد بالایی از جرایم، چالشهای فراوانی را در پیش‌روی دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری قرار داده‌اند و از آنها با عنوان مجرمین حرفه‌ای یاد می‌شود، با روشی توصیفی-تحلیلی و تشریح مفاهیم بنیادی به دنبال پاسخگویی به این سؤال مهم و اساسی است که در عرصه سیاست جنایی مشارکتی، سیاست جنایی ایران از چه راهبردها و روشهایی بهره می‌جوید و اساساً جایگاه سیاست جنایی مشارکتی در ایران به لحاظ شکل و محتوا در ارتباط با این دسته از مجرمین چگونه است و لذا در این پژوهش تلاش گردیده تا ضمن ارزیابی سیاست جنایی ایران در این حوزه، در رویارویی با این دسته از مجرمین، کاستی‌ها، چالشها، مشکلات و موانع موجود در رسیدن به راهکارها و پیشنهادهای اصلاحی و کارآمد شناسایی گردد.

**واژگان کلیدی:** سیاست کیفری، سیاست جنایی، سیاست جنایی مشارکتی، نهادهای اجتماعی، مجرمین حرفه‌ای.

\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

\*\* دانشیار دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) ghko44@yahoo.com

## مقدمه

گسترش فعالیت‌های مجرمانه و بدنبال آن افزایش احساس ناامنی در میان افراد جامعه موجب گردیده تا موضوع امنیت و ایجاد آرامش در جامعه و میان افراد آن همواره در زمره دغدغه‌های قانونگذار که به واقع چیزی جز دغدغه‌های جامعه و افراد آن نیست باشد. در این راستا در مبارزه و مقابله با پدیده مجرمانه، همواره اقلیتی وجود دارند که از آنها با عنوان مجرمین حرفه‌ای یاد می‌شود که با ارتکاب درصد بالایی از جرائم، در رسیدن به مقاصد و منافعشان ارتکاب جرم را به صورت یک حرفه برای خود قرار داده‌اند به صورتی که با توجه به تعدد جرم، استمرار و تکرار در ارتکاب جرم، شدت، حتمیت و تخصص در جرائم ارتكابی و ابعاد شخصیتی، با ارتکاب درصد بالایی از جرائم که عمدتاً و معمولاً جرائم مالی است، ضمن اینکه نظم موجود در جامعه را ملتهب می‌نمایند بلکه خسارت قابل توجهی را نیز برپیکره جامعه و هیأت اجتماع تحمیل و وارد می‌نمایند. به صورتی که علیرغم اعمال و اجرای سیاست‌های موجود در رهایی از این معضل بزرگ که عمدتاً قهرآمیز بوده، در مسیر مبارزه با این اقلیت خاص و رفتارهای ارتكابی آنان با مشکلات فراوانی مواجه هستیم.

با توجه به عوامل و متغیرهای تأثیرگذار که منجر به پیشرفت سیر اقدامات مجرمانه و تکرار جرم در این دسته از مجرمین گردیده است و تحولاتی که در این فرآیند پشت سر گذاشته‌اند، در راستای رسیدن به راهکارهای حفاظت‌کننده، کنترل و پیشگیری‌کننده قطعاً می‌بایست واکنش علیه این دسته از افراد به بهترین شکل مدیریت گردد و این مهم حاصل نمی‌گردد مگر با برخورداری از یک سیاست جنایی مناسب، کارآمد و معقول، یعنی سیاستی که در پرتو آن انتظار می‌رود قانونگذار، قضات و مجریان و همچنین جامعه مدنی با یک نگاه منسجم و جمعی به تمامی ابعاد و اجزاء در ارتباط با موضوع جرم‌انگاری و واکنش علیه جرم و هنجارشکنی نظر داشته و به مقابله با پدیده مجرمانه پردازند و البته به صورت خاص در ارتباط با این دسته از مجرمین با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از روش‌های کیفری و غیر کیفری و از جمله مشارکت جامعه مدنی در رسیدن به راهکارهای حفاظت‌کننده، کنترل و پیشگیری‌کننده گام بردارند و این همان سیاستی است که از آن با عنوان سیاست جنایی و البته در مفهوم موسّع یاد می‌شود.

در این میان آنچه که پژوهش حاضر در خروج از بحران موجود، در حوزه سیاست جنایی، در رویارویی با مجرمین حرفه‌ای به شرح پیش گفته بر آن متمرکز است، موضوع سیاست جنایی مشارکتی است. جلوه و نمودی از مشارکت و مداخله مردم که به لحاظ در برداشتن طیف گسترده از کنشگرانی که انتظار می‌رود در این عرصه در کنار یکدیگر منسجم و یکپارچه عمل نمایند، همواره به عنوان یکی از مهمترین اجزاء سیاست جنایی محسوب شده و بدنبال ناکارآمدی سیاست

کیفری، اندیشمندان و سیاستگذاران جنایی بر این بخش از سیاست جنایی و برنامه‌های پیش روی آن همواره تأکید داشته‌اند. لذا از یکطرف بدنبال آثار تأثیرگذار و مثبت برنامه‌ها و راهبردهای سیاست جنایی در عرصه مشارکتی در مبارزه با پدیده جرم، انحراف و کجروی و از طرفی باتوجه به شرایط و وضعیت موجود که آمارها حکایت از آن می‌نماید و مبین وجود بحران در حوزه تأمین امنیت و آرامش مورد انتظار در جامعه می‌باشد، در پژوهش حاضر تلاش گردیده تا در خروج از این بحران ضمن تمرکز بر مجرمین حرفه‌ای، جایگاه سیاست جنایی مشارکتی در ایران را به لحاظ شکل و محتوا در ارتباط با این دسته از مجرمین مورد تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی قرار داده و لذا در این راستا این پژوهش اهدافی را دنبال می‌کند که از آن جمله شناسایی کاستی‌ها، چالشها، مشکلات و موانع موجود در رسیدن به راهکارها و پیشنهادهای اصلاحی و کارآمد در این حوزه و عرصه از سیاست جنایی است.

لذا در دو بخش به تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی موضوع پرداخته که در بخش اول، به بررسی مبانی و چارچوبه مفهومی سیاست جنایی مشارکتی و نیز راهبردها و روشهای موجود در رویارویی با مجرمین حرفه‌ای و در بخش دیگر باتوجه به شرایط موجود، ضمن پرداختن به راهبردها و روشهای موجود در سیاست جنایی مشارکتی در ایران، به نقد و بررسی موضوع پرداخته تا از این مسیر راهکارها و پیشنهادهای اصلاحی، باتوجه به شناسایی کاستی‌ها و چالشها و مشکلات و موانع موجود، در پیشروی مجریان و دست‌اندرکاران دستگاه نظام عدالت کیفری قرار گیرد.

## ۱- چارچوبه مفهومی و مبانی نظری

### ۱-۱ مفهوم، تعریف و جایگاه سیاست جنایی مشارکتی، گستره و قلمرو آن

#### ۱-۱-۱ مفهوم، تعریف و جایگاه سیاست جنایی مشارکتی

همانگونه که در مقدمه این تحقیق نیز بدان اشاره گردید سیاست جنایی در معنای موسع و کلی آن، شامل مطالعه اقدامها و تدابیر متنوعی است که دولت و جامعه مدنی اختصاصاً برای سرکوبی پدیده مجرمانه، پیشگیری از آن، حمایت از بزه دیدگان مستقیم و غیرمستقیم بزهکاری در نظر گرفته و در قالب آیین‌ها و روشهای مختلف، به عنوان پاسخ به وضعیتهای پیش جنایی یا قبل بزهکاری، جرائم ارتكابی و نیز ترمیم آثار زیانبار جرم از جمله پیشگیری از تکرار جرم اعمال می‌کنند (لازرز، ۱۳۸۲: ۳۷) و بدین ترتیب سیاست جنایی بدین مفهوم در چهار بخش تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی موضوع مطالعه و بررسی و تحقیق قرار گرفته است.

سیاست جنایی تقنینی تدبیر و چاره‌اندیشی قانونگذار در مورد جرم و پاسخ به آن است که با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی هر کشور حالت‌های مختلفی به خود می‌گیرد. سیاست جنایی تقنینی سلیقه قانونگذاران مختلف و انتخابهای آنان در انواع جرائم و مجازاتها و به طور کلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرائم است. (آبروشن، ۱۳۹۵: ۲۸ به نقل از نجفی

ابرنندآبادی، علی حسین تقریرات درس تاریخ تحولات کیفری: ۲۶)

در این راستا از نحوه استنباط و برداشت دستگاه قضایی از سیاست جنایی تقنینی و نحوه اعمال قوانین و مقررات مربوطه نیز با عنوان سیاست جنایی قضایی یاد می‌شود (گودرزی بروجردی، ۱۳۸۵: ۹۴) که البته درک متفاوت از قوانین در نتیجه برداشتها و استنباط‌های مختلف، خود موجب گردیده است تا محاکم نسبت به موضوعات واحد برداشتهای خاص و متفاوت داشته باشند.

سیاست جنایی اجرایی نیز سیاستی است که از سوی قوه مجریه به عنوان رکن اجرایی کشور و در اجرای سیاستهای اتخاذی از سوی قوه مقننه اتخاذ می‌شود و نهایتاً در ادامه تشریح بخشهای مختلف سیاست جنایی، موضوع سیاست جنایی مشارکتی نیز که تحقیق حاضر بر آن متمرکز است به عنوان یکی از جدیدترین و مهمترین گرایشات سیاست جنایی مطرح است. با این توضیح و توجه که در دوره معاصر رشد روز افزون پدیده مجرمانه<sup>۱</sup> و ظهور اشکال و حجم‌های نوین و متنوع تری از بزهکاری، بحران ناتوانی و ناکارآمدی و عدم موفقیت نظام عدالت کیفری در به کارگیری صرف ضمانت اجرای کیفری در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با بزهکاری و اصلاح بزهکاران، لزوم افزایش و تقویت عملکرد برنامه‌های سیاست جنایی باعث جلب توجه به واقعیت مشارکت جامعه مدنی در برنامه‌های سیاست جنایی شده است و گرایش جدیدی از سیاست جنایی بر پایه مشارکت هرچه وسیعتر و فعال ارکان جامعه مدنی اعم از بزهکار، بزه دیده و به ویژه مردم در مراحل مختلف تدوین و اجرای سیاست جنایی، خصوصاً در مراحل اجرای آن، یعنی مرحله پیشگیری از وقوع جرم و مرحله واکنش به پدیده مجرمانه در دیدگاهها و آموزه‌های کیفری را مطرح نموده است که از آن به عنوان «سیاست جنایی مشارکتی» نام برده می‌شود (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۳۹) و لذا باید گفت سیاست جنایی مشارکتی از اجزاء و ارکان و راهبردهای مهم سیاست جنایی است که مبین مشارکت مردم و نهادهای غیررسمی و غیردولتی در امر پیشگیری و واکنش نسبت به جرائم و انحرافات اجتماعی است.

به عبارت دیگر این پاسخها که به نوبه خود در اقدامها و ابتکارهای مردم، تشکل‌های خودجوش مردمی یا سازمانهای مردم نهاد (سمن‌ها) در برابر پدیده جنایی خلاصه می‌شود رکن چهارم سیاست جنایی را تشکیل می‌دهد و بدین سان، جامعه مدنی و جامعه دولتی یا رسمی (دولت-حاکمیت) به عنوان دو رکن هیأت اجتماع در سیاست جنایی نقش اساسی ایفا می‌کنند (دلماش-مارتی، ۱۳۹۳: ۵۰). بنابراین در مفهوم مدرن و امروزی آن، سیاست جنایی مشارکتی، یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه مدنی است که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار

۱. پدیده مجرمانه هرگونه رفتار خلاف هنجارهای اجتماعی چه در قالب جرم یا بزه و چه در قالب انحراف یا کجروی را شامل می‌شود.

پلیس و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشند (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۲۷۲) و بدین ترتیب جامعه مدنی نیز با برخورداری از یک جایگاه مهم در سیاست جنایی و از طریق و اعطای نقش به بزه‌کار، بزه دیده و مردم پاسخهایی را در رویارویی با پدیده مجرمانه ارائه می‌دهد که به آن اصطلاحاً پاسخهای جامعه‌ی یا اجتماعی می‌گویند.

در خصوص جایگاه سیاست جنایی مشارکتی در اسلام نیز باید گفت در سیاست جنایی اسلام، پاسخ‌دهی غیر کیفری به پدیده مجرمانه پس از وقوع آن دارای رابطه‌ای قوی با افراد و گروههای جامعه مدنی (در مقابل مراجع رسمی دولتی) می‌باشد این رابطه و مداخله می‌تواند در جهت کاهش دادن آثار جرم بر بزه دیده و برخورد بزه‌کار و مآلاً بر جامعه نقش و اثر قابل توجهی داشته باشد، با ایجاد صلح و سازش بین متخاصمین یا ارفاق و کیفرزدایی کلی و جزئی نسبت به مجرم و نیز بازپروری اجتماعی او پس از معافیت از کیفر یا تحمل مجازات، چنین جایگاهی برای جامعه مدنی در پاسخ‌دهی به هنجارشکنی، در سیاست جنایی اسلام و ایران، با معیارهای اساس یک سیاست جنایی انسانی و عقلایی همسو می‌باشد (حسینی، ۱۳۹۴: ۲۲۳) و لذا در یک نظام اسلامی، از یک سو با توجه به انسجام و تماسک موجود بین افراد جامعه، که از آن به اخوت ایمانی یاد می‌شود، زمینه مناسبی برای حل تعارضات و تراحمات از طریق غیرقضایی وجود دارد. از سوی دیگر با توجه به تعریف انسان از دیدگاه مذهبی، باور به حیات جاودان و اعتقاد به مسائلی از قبیل حشر، میزان و ثواب و عقاب اخروی و معنا یافتن «توبه و انابه» در نظام آموزشی و پرورشی اسلام، پاسخ کیفری به جرائم و خطاها تنها پاسخ نبوده و قطعی‌الاجرا محسوب نمی‌شود و در قلمروی گسترده، عفو مجرمین، و در نتیجه، میانجیگری به نفع مجرم نزد حاکم موجه و مجاز می‌باشد (همان، ۲۲۴).

در کلام حقوقی ایران که از سیاست جنایی اسلام نیز نشأت گرفته جلوه‌هایی از مشارکت مردم و نقش آنها را در اداره جامعه ملاحظه می‌کنیم، در قانون اساسی و اصول مختلف آن و از جمله اصول ۳ و ۶ و ۷ و ۸ و ۲۹ و ۵۶ و ۵۹ و ۱۰۴ بر این موضوع تأکید گردیده است. ضمن اینکه قانونگذار در وضع قوانین اخیرالتصویب و از جمله قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و نیز قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مصادیق و جلوه‌هایی از مشارکت مردم را در قالب سیاست جنایی مشارکتی، در طول فرایند کیفری مورد توجه خود قرار داده است.

در واقع مشارکت و مداخله مردم در اداره امور خود موجبات ارتقاء سطح فرهنگ و آگاهی و شناخت آنان را در خصوص محیط پیرامونی خود، امکانات و محدودیت‌های موجود در ارتباط با حقوق شهروندان، شرح وظایف و مسئولیت‌های مسئولین و مدیران را فراهم می‌آورد.

بدین ترتیب اگر الگوی مدیریت مشارکتی اجرا شود، افراد جامعه خلاقیت و تلاش خود را به کار می‌گیرند تا هر کدام نظر اصلاحی برای ایجاد امنیت اجتماعی بدهند، در واقع می‌توان گفت که یک نوع ارتباط دوسویه- تعاملی به وجود می‌آید که در آن دیگر، فرآیند مدیریت و تصمیم به

صورت از «بالا به پایین» نیست بلکه از «پایین به بالا» نیز خواهد بود. (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۹۱)

### ۱-۱-۲ گستره و قلمرو سیاست جنایی مشارکتی

با توجه به شکل و ماهیت این جزء از سیاست جنایی و تحت شمول قرار گرفتن طیف گسترده‌ای از کنشگران در این راستا، اساساً مشارکت مردم در تمام مراحل و مجموع فرآیندهای غیرکیفری و کیفری مطرح بوده و می‌باشد. لذا از آنجائیکه در پرتو راهبردهای سیاست جنایی، مترصد و در مسیر اجرای برنامه‌هایی در رویارویی با موضوع پایداری بزهکاری هستیم و این خود ملازمه با رعایت و اجرای برنامه‌ها و ملاحظات پیشگیرانه دارد و اجرای راهبردهای سیاست جنایی مشارکتی در پاسخ به طیف گسترده‌ای از نیازهای مردمی می‌باشد. به همین ترتیب حضور فعال و طیف گسترده‌ای از کنشگران را می‌طلبد که این خود حکایت از گسترده‌گی قلمرو و دامنه سیاست جنایی مشارکتی است.

### ۱-۲-۲ مفهوم و تعریف مجرم حرفه‌ای، ابعاد و خصوصیات، علل و عوامل پیدایش

#### ۱-۲-۱ مفهوم و تعریف مجرم حرفه‌ای

در این باره گفته شده است تبهکار حرفه‌ای بنا به تعریف کسی است که طریق تأمین زندگی و ممر اعاشه او از راه تبهکاری است. تبهکاری پایه و سرمایه اصلی زندگی اوست و از این رو مستغرق در زندگی خویشتن یعنی تبهکاری است (کی‌نیا، ۱۳۸۴: ۵۵۴) به عبارت دیگر بزهکاران حرفه‌ای، مرتکبین مکرر عمدتاً جرم‌های مالی ساختاریافته و غیرخشن می‌باشند که برای کسب سرمایه و امرار معاش جرم را جزیی از زندگی خود قرار داده و با پیشه نمودن بزهکاری به عنوان ابزار اقتصادی و گذران حیات، به نوعی از حیات مجرمانه دست یافته‌اند. بزهکاران مذکور با رفتار ضد اجتماعی زودرس، تمایلات بزهکارانه‌ی خود را در سنین پایین نشان داده و در طول زمان بر ارتکاب آن رفتارها اصرار ورزیده و در اکثر موارد نیز با بالارفتن سن، اعمال مجرمانه خود را کاهش خواهند داد. (عظیم زاده، ۱۳۹۰: ۲۸) در این رابطه آنچه که ذکر آن لازم و ضروری است تفکیک مفهوم بزهکار حرفه‌ای از مفهوم بزهکار به عادت است. در این باره گفته شده است بزهکار به عادت کسی است که صفات مجرمانه آشکار یا پنهانی در ساختار روانی او وجود دارد اما مجنون یا دچار نقص روانی و... تلقی نمی‌شود و کسی است که مستمراً مرتکب جرم می‌شود و برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند خطرناک محسوب می‌شود اما صرفاً فاحشه، ولگرد، دائم‌الخمر نبوده و مستمراً بزه‌های خفیف مرتکب می‌شود (غلامی، ۱۳۸۲: ۴۲) بنابراین آنچه که از مجموعه این نظریات و سایر نظریات مطرح شده برداشت می‌شود این است که آنچه که باعث تمایز بزهکار به عادت از بزهکار حرفه‌ای است شخصیت اوست بدین معنی که شخصیت بزهکار

در بزهکاری به عادت به مراتب نقش مهمتر و قوی تری را نسبت به اوضاع و احوال حاکم بر ارتکاب جرم در انجام عمل مجرمانه ایفا می کند به عبارت دیگر در فرآیند ارتکاب جرم و تکرار جرم مجموعه ای از عوامل مختلف دخیل می باشد که در این میان آنچه که بیش از هر عامل دیگری زمینه را در بین بزهکاران به عادت در ارتکاب جرائم متعدد و تکرار جرم فراهم می سازد همان شخصیت آنهاست.

### ۱-۲-۲ خصوصیات مجرم حرفه ای

از مجموع مباحث مطرح شده می توان در ذکر خصوصیات و ویژگیهای مجرم حرفه ای به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- مجرم حرفه ای معمولاً برای کسب درآمد و سود مرتکب جرم می شود و اکثراً مرتکب جرائم علیه اموال می گردد.
- ۲- فعالیت مجرمانه بخشی از روش زندگی مجرم حرفه ای را تشکیل می دهد، او خود را به عنوان یک مجرم می شناسد و به طور وسیعی با سایر مجرمان همکاری می کند.
- ۳- مجرمین حرفه ای یا متمایل به توسعه و تکمیل انواع مختلف جرائم علیه اموال و یا تخصص در نوع خاصی از جرم هستند.
- ۴- مجرمین حرفه ای معمولاً در جرائم ارتكابی دارای برنامه های مشخصی هستند و کاملاً به آنچه که انجام می دهند آگاه می باشند.

### ۱-۲-۳ علل و عوامل پیدایش

آنچه که بدو در ارتباط با این دسته از مجرمین در ارزیابی و ارائه راهبردهای سیاست جنایی مشارکتی ذکر آن ضرورت دارد و تأمل دقیق بر آن را می طلبد، تحلیل رابطه علی و معلولی در ماهیت و نحوه ورود این دسته از مجرمین به عرصه حرفه مجرمانه از طریق مجموع متغیرهای مستقلی است که اساساً در بررسی علل و عوامل مختلف، و از جمله علل و عوامل زیستی، روانی و اجتماعی و ... بدانها دست می یابیم. به واقع این موضوعی است که تنها در بطن آموزه ها و رهیافتهای جرم شناختی اعم از فرآیندی، ساختاری و ترکیبی نوین محقق خواهد شد.

«رهیافتهای فرآیندی» جرم شناختی رهیافتهایی هستند که فرآیند چگونه پدیدار شدن بزهکار را در دو سطح فردی و موقعیتی مطالعه می نمایند، رهیافتهای فرآیندی در سطح فردی، جریان پایداری را مبتنی بر مؤلفه هایی می دانند که حول محور فرد بزهکار مورد بررسی قرار گرفته و منحصر به اوصاف خاص و مؤثر ساختار زیستی یا روانی و یا تصمیم ها و گزینش های عقلانی او می باشد (عظیم زاده ۱۳۹۰: ۱۵۸).

مطابق مطالعات و تبیینهای زیست شناختی که در قرن ۱۹ شاهد توسعه آن هستیم، عوامل جسمانی و

زیستی مثل نابهنجاریهای کروموزومی و ژنتیکی و نقایص و شرایط ویژگیهای خاص بدنی بر ارتکاب جرم و بزهکاری مؤثر است و برابر مطالعات و تبیینهای گزینشی نیز اعتقاد بر این است که کجروی نوعی اتخاذ تصمیم فردی و گزینشی عقلانی فایده‌گرانه در فرد بوده که پس از ارزیابی و سنجش آثار و پیامدهای مثبت و منفی رفتار کج‌روانه صورت می‌پذیرد. این تبیینها بزهکاران را کنشگرانی اندیشه‌ورز معرفی می‌کند و مدعی هستند که آنان برای ارتکاب جرم برنامه‌ریزی‌های خاص خود را دارند (حسینی، ۱۳۹۴: ۲۸ و ۲۹).

در این میان در حوزه رهیافتهای فرایندی در سطح فردی، بعد روحی و روانی انسان به عنوان رکن اصلی در ابعاد پرورش و تربیت انسان بسیار حائز اهمیت بوده به صورتی که همین ابعاد روحی و روانی است که در بردارنده خصایل انسانی وی بوده و او را از سایر موجودات متمایز می‌کند و از سوی دیگر عدم برخورداری از سلامت روانی دریچه‌ای به سوی تمامی مخاطرات فردی و اجتماعی را به روی انسان می‌گشاید و از همین روست که در اسناد بین‌المللی حقوق کودک بر رشد کامل و هماهنگ شخصیت وی و پرورش در محیطی آکنده از خوشبختی، محبت و تفاهم تأکید گردیده و حق کودک به برخورداری از امکانات آموزشی و تربیتی که بتواند رشد شخصیت، استعدادها و تواناییهای جسمی و ذهنی کودک را تا آنجا که ممکن است فراهم کند به رسمیت شناخته شده است (مهدوی، ۱۳۹۷: ۱۴۲).

رهیافتهای فرآیندی مبتنی بر سطوح موقعیتی نیز جریان پایداری را بر اساس موقعیت اجتماعی بزهکار قابل تحلیل می‌دانند یعنی فرآیند تبدیل شدن یک بزهکار غیر حرفه‌ای به بزهکار پایدار و حرفه‌ای را در نتیجه موقعیتی می‌دانند که بزهکار در بطن جامعه آن را تجربه کرده است مثل نحوه یادگیری هنجارها و نابهنجارها، نحوه کنترل شدن و چگونگی دریافت واکنش اجتماعی از جانب جامعه. «رهیافتهای ساختاری» که به عنوان رهیافتهای کلان جرم‌شناسی شناخته می‌شوند به تبیین چگونگی اثرگذاری سازمان اجتماعی بر پایداری بزهکار می‌پردازند، این رهیافتهای از یک سو با تمرکز بر فشار اجتماعی وارد شده بر بزهکار که در سایه عدم برابری توزیع فرصتها و اهداف حاصل می‌شود و یا به دلیل تعارضهای شدید فرهنگی اتفاق می‌افتد، پایداری را تبیین می‌نماید. در نهایت «رهیافتهای نوین جرم‌شناسی» که عمدتاً رهیافتهایی ترکیبی‌اند، بدون محدود ساختن خود بر یک علت منحصر به فرد، با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از عوامل گوناگون به ارائه یک الگوی مناسب جرم‌شناسانه، متناسب با بستر زمانی و مکانی یک جامعه می‌پردازند (عظیم زاده، ۱۳۹۰: ۴۵۸).

در این رابطه بر اساس نتایج یک تحقیق که نگارنده ضمن مصاحبه‌ای که با تعدادی از مجرمین سابقه‌دار و کسانی که ارتکاب جرم را برای خود به صورت یک حرفه قرار داده بودند به عمل



آورده و در یک بررسی میدانی و تحقیق در اطراف علل و عواملی که منجر به پیشرفت سیر اقدامات مجرمانه و تحولات بزهکاری در آنها از اولین زمانی که علایم ناسازگاری در آنها مشاهده شده، ضمن بررسی پاسخها و تأثیر پاسخها در استمرار و یا توقف ناسازگاری و بزهکاری ملاحظه گردید که عمدتاً نمود و ظهور اولین علائم ناسازگاری و یا ارتکاب بزه در افراد موضوع این تحقیق در مقاطع سنی پایین و در دوران کودکی و نوجوانی آنها بوده که به لحاظ عدم برخورداری از پاسخهای مناسب و متناسب و به عبارتی به علت عدم رویارویی با پاسخها و موانع کارآمد، مفید و بازدارنده، در ادامه بزهکاری به عنوان رفتاری پایدار در شخصیت آنها تثبیت گردیده بود. بنابراین مجموع تبیینهای صورت گرفته و نتایج پژوهشها و تحقیقات بعمل آمده بر افراد موضوع این تحقیق جملگی مبین این موضوع بوده که اولین علائم ناسازگاری و رفتارهای انحرافی در این دسته از افراد که عمدتاً در دوران کودکی و نوجوانی بروز یافته بود، در نتیجه مجموعه‌ای از عوامل خطرزا که تحت عنوان «موقعیت و وضعیت پیش‌جنایی» یعنی اوضاع و احوالی که شخص را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و بدنبال آن عدم پاسخگویی صحیح، جملگی پیوند اجتماعی مثبت آنها را در دوران بزرگسالی به حداقل رسانده بود و نتیجتاً با ضعیف شدن نهادهای پیونددهنده و از جمله خانواده، دوستان و محیط از یک سوی و عدم دریافت پاسخها و موانع کارآمد و بازدارنده و پیشگیری‌کننده از سوی دیگر موجب و شرایط ورود آنها را به عرصه حرفه مجرمانه و بزهکاری فراهم نموده بود.

و لذا جایگاه عمده بحث پیرامون موضوع موقعیت و وضعیت پیش‌جنایی به شرح مطالب پیش گفته، دقیقاً در همین مرحله و مقطع سنی است که افراد در موقعیت شکل‌گیری و کمال‌یابی شخصیت هستند.

بنابراین باید گفت که مبنا و اساس موضوع ملاحظات و مداخلات پیشگیرانه در جلوگیری از ورود به عرصه حرفه مجرمانه از دوران کودکی و نوجوانی موضوعیت یافته و بر آن تأکید می‌گردد. در این راستا سازوکارهای پیشگیری رشد‌مدار مبتنی است بر مداخلاتی که از رشد ظرفیتهای قابلیت‌های جنایی در افراد جلوگیری می‌کند و به همین منظور با تمرکز بر نهادهای جامعه‌پذیری نخستین همچون خانواده، مدرسه و گروه همسالان و بدنبال آن اتخاذ تدابیر مناسب و متناسب و ایجاد یک الگوی کارآمد و استاندارد در چنین نهادهایی، از این جهت که افراد، نخستین مرادوات و ارتباطات اجتماعی خود را با چنین نهادهایی برقرار می‌کنند، نهایتاً شرایط خطرزایی که موجب گرایش و سوق افراد به سمت ناسازگاری و بزهکاری است را در چنین نهادهایی مرتفع نموده تا بدین طریق از ورود افراد به عرصه بزهکاری و کجروی پیشگیری شود.

در این خصوص براساس یافته‌ها و نتایج حاصله از پژوهش بعمل آمده به شرح پیش گفته که چنانکه بیان گردید به صورت میدانی و از طریق مصاحبه و تمرکز بر تعداد قابل توجهی از مجرمین

حرفه‌ای بدان دست یافتیم، در بررسی فرایند تحولات بزهکاری بدو اعلل و عوامل تأثیرگذار در بروز اولین علائم ناسازگاری، با توجه به موقعیت و شرایط سنی آنها (کودکی و نوجوانی) شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که از جمله مهمترین این علل و عوامل، موضوع عوامل خانوادگی و در اینخصوص آلودگیها، نابهنجاریها و مسائل و عوامل خطرزای موجود در آنها همچون ناتوانی والدین در امر تعلم و تربیت که خود متأثر از عوامل و متغیرهایی چون بیسوادی و یا کم سوادی و عدم برخورداری والدین آنها از آگاهی های لازم و مورد انتظار در مسائل تربیتی، اعتیاد، فقر، فقدان یا فوت یکی از والدین، خشونت، بد رفتاری و بی توجهی والدین (فقر عاطفی)، تقلید و همانندسازی باتوجه به موضوع اعتیاد والدین و همچنین موضوع فقر اقتصادی متأثر از کثرت اولاد، در آمد پایین، سکونت در منازل استیجاری، اعتیاد، مهاجرت و بیکاری، مدیریتهای ناکارآمد در مدرسه، رسانه و دوستان ناباب و مسأله تقلید و همانندسازی با آنها کاملاً مشخص و به لحاظ تأثیرات سوی عمیقی که بر زندگی آنها گذارده بود ارتباط غیرقابل انکاری با اولین علائم ناسازگاری آنها که عمدتاً در سنین کودکی و نوجوانی آنها بروز یافته بود برقرار می کرد ضمن اینکه عمدتاً در مقام پاسخ به عملکردها و رفتارهای انحرافی و کجروانه آنها شاهد نوعی بی تفاوتی، حسب مورد از سوی والدین و سرپرستان و اطرافیان آنها بودیم که در واقع بخشی از این بی تفاوتی ناشی از عدم شناسایی چنین رفتارهایی به عنوان رفتارهای کجروانه و انحرافی بوده و بخشی دیگر ناشی از عدم شناسایی علل و عوامل بروز چنین رفتارهایی بوده که به واقع به دنبال نوعی نیاز از آنها سرزده و در ادامه در نتیجه عدم به کارگیری سیاستهای صحیح در امر پاسخگویی به آنها بوده است که چنانکه بیان گردید دلیل آن را می بایست حسب مورد در جهالت، ضعف و ناتوانی والدین و اطرافیان و خانواده آنها در امر به کارگیری اصول و مسائل تربیتی در هریک از مراحل رشد و نیز عدم انجام اقدامات حمایتی جستجو کرد و نکته مهم اینکه این بی تفاوتی و مسامحه و غفلت در امر پاسخگویی صحیح و متناسب نسبت به این افراد را عمدتاً در دورانی رصد نمودیم که آنها برای پذیرش تربیت و سازندگی آمادگی کاملی را دارا بوده اند ولیکن عدم دریافت پاسخ مناسب و متناسب و بعضاً در قالب بی تفاوتی و عدم درک نیازهای آنها موجب گردیده بود تا آنها در دوران رشد خود با بسیاری از مسائل بدآموز آشنا شوند و به تدریج این مسائل بدآموز در آنها استحکام یابد و پایدار شود و ظرفیتهای قابلیت‌های جنایی در آنها رشد یابد و لذا ملاحظه می کنیم که چنانچه در مبارزه و مقابله با وضعیت و موقعیت پیش جنایی حاکم بر زندگی این افراد تمرکز لازم از جهت اعمال و اجرای صحیح سیاستهای کارآمد مورد انتظار در زندگی آنها صورت می گرفت، امروز این دسته از افراد را که به عنوان یک انسان دارای کرامت هستند در چنین شرایطی ملاحظه نمی کردیم.

بنابراین باید برنامه‌هایی را طراحی کرد که به نحو ترکیبی و با اجزاء چندگانه به رفع مؤلفه‌های خطر فردی، خانوادگی و نیز گسترش آموزه‌ها و آموزشهای مهارتی، حرفه‌ای و اصلاح اندیشه می‌پردازند. بنابراین آنچه که در مقابله و مبارزه با وضعیت و موقعیت پیش‌جنایی در راستای از بین بردن فرصتهای ارتکاب بزه و کجروی موضوعیت داشته و دارد اساساً موضوع پیشگیری در سطح اولیه و ثانویه آن است.

## ۲- واکاوی در سیاست جنایی مشارکتی موجود در رویارویی با مجرمین حرفه‌ای (بررسی و تحلیل راهبردها)

با عنایت به تبیینها و مطالب پیش‌گفته، در بررسی و تشریح راهبردهای سیاست جنایی مشارکتی در رویارویی با مجرمین حرفه‌ای اساساً از دو منظر و رویکرد می‌توان با نگاه به موضوع به تشریح آن پرداخت، اول از جهت نقش و جایگاهی که مردم و نهادهای اجتماعی و غیردولتی قبل از وقوع بزه، انحراف و یا کجروی ایفاء می‌کنند و اساساً تحت عنوان پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم می‌توان از آن یاد کرد که بیانگر نقش مردم و جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی در جلوگیری و پیشگیری از ورود به عرصه مجرمانه می‌باشد و به واقع موضوع پیشگیری اولیه و ثانویه در مقابله و رفع فرصتهای ارتکاب جرم و کجروی در موقعیت و وضعیت پیش‌جنایی چنانکه قبلاً نیز بیان گردید قابل بحث بوده که از آن با عنوان سیاست جنایی مشارکتی کنشی یا اولیه (پیشگیرانه) یاد می‌کنیم و دوم از جهت نقش و جایگاهی که مردم و جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی و غیردولتی پس از وقوع جرم با دخالت در فرایند کیفری در کنار نهادهای رسمی و دولتی دستگاه نظام عدالت کیفری از آن برخوردار بوده و در مقابله با پدیده مجرمانه و جلوگیری از تکرار و کاهش جرم نقش آفرینی می‌کنند که از آن با عنوان سیاست جنایی مشارکتی واکنشی یا ثانویه (پاسخگو) یاد می‌شود که ذیلاً به تشریح هر یک می‌پردازیم.

### ۲-۱ سیاست جنایی مشارکتی کنشی یا اولیه (پیشگیرانه یا فعال)

در اینخصوص راهبردهای سیاست جنایی مشارکتی خود گستره و طیف وسیعی از تدابیر را در برداشته که جملگی با توجه به مطالبی که بیان گردید متمرکز است بر رهیافتهای فرآیندی خصوصاً در سطح فردی که در تحلیل رابطه علی و معلولی در ماهیت و نحوه ورود این دسته از مجرمین به عرصه مجرمانه و حرفه مجرمانه، از آنها با عنوان علل و عوامل زیستی، روانی و اجتماعی یاد می‌شود که قطعاً از ویژگیها و شاخصه‌های مهم این نحو از مداخلات در حوزه سیاست جنایی مشارکتی، غیرقهرآمیز بودن آن و نبود و فقدان جایگاه برای مجازاتهاست و بدین ترتیب تلاش می‌گردد تا از این مسیر به عنوان یک سیاست جنایی کارآمد و مؤثر در امحاء و ریشه‌کنی مجموعه علل و عوامل زمینه‌ساز بزهکاری و رفتارهای کجروانه و انحرافی، اقدامات مفید و

مؤثری به اجرا درآید.

در این میان تأکید می‌گردد آنچه که ذکر آن بدنبال بحث پیرامون علل و عوامل زمینه‌ساز بزهکاری یا انحراف و کجروی در تحلیل راهبردهای سیاست جنایی مشارکتی موجود مطرح می‌شود موضوع «موقعیت و یا وضعیت پیش‌جنایی» است در این راستا در مسیر رهیافتهای پیشگیرانه رشد مدار، مقابله با شرایط و عوامل اجتماعی خطرزای حاکم بر زندگی افرادی که با توجه به موقعیت سنی در شرایط بسیار حساس تأثیرپذیری قرار دارند و اعمال یک سیاست جنایی کارآمد در حوزه سیاست جنایی مشارکتی از نوع کنشی با شاخصه‌ها و مؤلفه‌های خاص آن، از جمله راهبردهایی است که در رسیدن به آن تلاش می‌شود تا بدین نحو ضمن رفع معضلات اجتماعی حاکم بر زندگی و رفع گرفتاریهای آنان و رسیدن به توسعه پایدار اجتماعی، با ارتقاء و بالابردن سطح و سبک زندگی در آنان از جهات مختلف، از ورود آنان به دنیای بزهکاری و عرصه حرفه مجرمانه پیشگیری گردد بنابراین همانگونه که بر آن تأکید نمودیم اگرچه سیاست جنایی مشارکتی اتخاذی در تمام مراحل و مقاطع، چه در مرحله پیشگیری اولیه و ثانویه و چه در مرحله پیشگیری ثالثه می‌تواند دارای نقش موثر و کارآمد و مفید باشد ولیکن مهمترین نقشی که سیاست جنایی مشارکتی می‌بایست ایفا نماید به واقع در همین بخش و مقطع می‌باشد و لذا چنانچه در این حوزه از سیاست جنایی بتوانیم توانمند و کارآمد و قوی عمل نماییم گام مؤثر و بلندی در حوزه رویارویی با این دسته از مجرمین در حوزه پیشگیری از ورود به این مرحله از بزهکاری برداشته‌ایم و مسلماً این مهم حاصل نمی‌گردد مگر با مشارکت مردم یا همان جامعه مدنی، چرا که اولاً طیف گسترده نیازهای مردمی موجب گردیده تا دولتها نتوانند به تنهایی قادر به تأمین این نیازها باشند. دوماً مشارکتهای مردمی خود می‌تواند کمک شایان و قابل توجهی به اصلاح دائمی ساختارها در رسیدن به عدالت نماید به نحوی که دولتها، مدیران و مسئولین مربوطه را وادار کنند تا در انجام وظایف خود جدی بوده و مداخلات آنها به واقع تذکری می‌باشد تا ضمن پرهیز از اعمال غیر قانونی در فعالیتهای خود شفافیت بیشتری نیز داشته باشند و به واقع موجب مسئولیت‌پذیری بیشتر در مسئولین دولتی نیز می‌شود.

سازمانهای مردم نهاد (سمن‌ها) که به عنوان یک گروه اجتماعی و برخوردار از هویت اجتماعی، سازمانی و غیردولتی و البته متمایز از بخش خصوصی با جهت‌گیری غیرانتفاعی که غالباً عاری از اهداف کسبی می‌باشند که براساس زمینه فعالیت در طیف گسترده‌ای از حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، خانواده و ... فعال می‌باشند که قطعاً در بحث پیرامون سیاست جنایی مشارکتی از نوع کنشی از مهمترین و تاثیرگذارترین کنشگران و مجریان راهبردهای سیاست جنایی مشارکتی می‌باشند.

به عنوان مثال ملاحظه می‌کنیم که سمن‌هایی که در حوزه آسیب‌های اجتماعی فعال هستند افراد زیادی همچون کارتن خوابها، کودکان بدسرپرست یا بی‌سرپرست، معتادان، افراد محروم از تحصیل، مستمندان، کودکان کار و خیابانی، معلولان جسمی و ذهنی، زنان سرپرست خانوار و ... را مورد توجه قرار می‌دهند بنابراین بدیهی است که افزایش کارآیی چنین سمن‌هایی باعث بهبود وضعیت گروه‌های آسیب‌پذیر فوق می‌شود، در مقابل کاهش کارایی سازمانهای مذکور می‌تواند به وخیم‌تر شدن اوضاع چنین اقشاری منجر شود (رازقی و لطفی، ۱۳۹۷: ۹۶).

براساس یافته‌های یک پژوهش که داده‌های آن در یک بررسی و پژوهش میدانی از طریق مصاحبه با ۲۵ نفر از فعالان و مؤسسان سمن‌های فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی جمع‌آوری شده است. محقق در شناسایی موانع و مشکلات پیرامون بقاء و پایداری سمن‌ها به نتایج ارزنده‌ای در این خصوص دست یافته که در این راستا بسیاری از چالش‌های درونی و بیرونی پیش‌روی سمن‌های فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی مورد شناسایی و تحقیق قرار گرفته است<sup>۱</sup> ضمن اینکه تحقیقاتی که نگارنده بعضاً از بعضی از فعالان در این حوزه بعمل آورده نیز حکایت از وجود مشکلات و موانع پیش‌روی آنان داشته که ذیلاً با عنایت به پژوهش موصوف به طور خلاصه به از جمله مشکلات و موانع و چالش‌های پیش‌روی سمن‌ها در این حوزه می‌پردازیم.

### الف) چالش‌های درون سازمانی:

در اینخصوص از جمله مهمترین مشکلات که سازمانهای فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی با آن مواجه هستند و فعالیت آنها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد می‌توان بدین موارد اشاره کرد:

#### الف-۱. مشکلات مالی و کمبود منابع:

در اینخصوص از جمله موضوعات مهمی که در مصاحبه‌های بعمل آمده فعالان چنین سمن‌هایی بدان اشاره نموده‌اند، موضوع کمبود منابع مالی و پایین بودن درآمد و فقدان فضای کار و ساختمان بوده و به عبارتی عدم برخورداری و عدم بهره‌مندی از روندهای پایداری برای تولید منابع مالی، که خود موجب رویارویی با مشکلات دیگری همچون ناتوانی و عجز آنها در خدمت یا حفظ نیروهای متخصص که برای خدماتی که ارائه می‌نمایند به منابع مالی نیاز است از یک سو و از سوی دیگر وابسته بودن به منابع دولتی نیز خود استقلال چنین سازمانهایی را که شرط اولیه عملکرد آنها استقلال آنها است به چالش می‌کشد.

#### الف-۲. چالش‌های جذب و مدیریت منابع انسانی (کمبود سرمایه اجتماعی)

در اینخصوص از جمله یافته‌های پژوهش مذکور به مشکلات ناشی از جذب نیروی انسانی فعال،

<sup>۱</sup> - در این رابطه رجوع شود به مقاله‌ای با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی‌ها و پایداری سازمانهای مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر رابطه آنها با دولت. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۹۷،

کمبود داوطلبان ماهر و متخصص و نیز ریزش نیروها به علت درگیر شدن در کار، ازدواج و ... اشاره دارد که در این راستا تکثر و تنوع داوطلبان، تفاوت‌های فرهنگی و بینشی بین آنها و تفاوت در سطح دانش و تجربه اعضا نیز مزید بر علت بوده تا با ایجاد نکثر در انگیزه‌ها و فقدان انگیزه‌های مشترک واقعی مشکلات عدیده‌ای در اینخصوص در پیش روی فعالان چنین سازمانهایی قرار گیرد چرا که این امر خود باعث ایجاد مشکلاتی چون ایجاد رقابت و خود محوری به جای همکاری و کار مشارکتی می‌گردد و از طرفی فقر دانش و مهارت مدیریتی در مدیران و به تعبیر محقق مدیریت احساسی به جای مدیریت تخصصی نیز خود موجب جبهه‌بندی‌های بی مورد و مضر درون سازمانی می‌گردد که خود موجب تضعیف اعتبار چنین سازمانهایی می‌گردد.

### الف-۳. چالشهای ناشی از نامناسب بودن ساختار سازمانی و اداری:

از جمله مشکلات دیگری که پژوهش موصوف در تحلیل داده‌ها و مصاحبه‌های صورت گرفته بدان دست یافته و مورد شناسایی قرار گرفته اینکه فعالان سمن ضمن اشاره به ساختار سازمانهای غیردولتی و مشکلات اداری ناشی از سیستم عضویت باز، تأکید داشته‌اند که ورود افراد متنوع در مقام داوطلبان به از دست رفتن کنترل سازمانی منجر شده و گاهی به سبب حضور افراد خاص با دغدغه‌های خاص چون دغدغه‌های سیاسی، مشکلات امنیتی را رقم زده و به موضوع سوء استفاده از عنوان سازمانهای غیردولتی نیز اشاره شده است.

### الف-۴. چالشهای برنامه‌ریزی و نظارت:

در اینخصوص فقدان راهبردهای عملیاتی، فقر برنامه‌های مدون جمعی و نیز فردگرایی و عدم اجماع در برنامه‌ریزی، نامتوازن بودن توجه به موضوعات با درجات مختلف اهمیت و عدم شناسایی ماهیت سازمانهای غیردولتی توسط فعالان و عدم توجه به کار تخصصی در حوزه آسیب‌های اجتماعی و به تعبیر محقق نگاه حداقلی به مسائل اجتماعی و فقدان دید کلان و جامع از سوی مدیران این سازمانها و نداشتن برنامه مشخص برای رابطه با دولت و مطالبات روشن و شفاف از دولت موجب گردیده تا بعضاً فعالان با هدف کسب منفعت اقتصادی یا سیاسی و ... اقدام به تأسیس چنین سازمانهایی نمایند.

### ب) چالشهای بیرونی

بخش دیگری از پژوهش موصوف در خصوص سازمانهای مردم نهاد و فعال در حوزه آسیبهای اجتماعی بررسی چالشهای برون سازمانی بوده که محقق با توجه به یافته‌ها و داده‌های بدست آمده در سه سطح مشکلات برون سازمانی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده در اینخصوص نیز به نتایج ارزنده‌ای نائل گردیده است که بطور خلاصه ذیلاً بدان می‌پردازیم:

### ب-۱. سطح اول (در رابطه با جامعه و شهروندان)

در این خصوص موضوع قابل تأمل، توقع شهروندان از سازمانهای غیردولتی و یا به عبارتی سمن-هاست بدین توضیح که شهروندان از چنین سازمانهایی به مثابه یک نهاد دولتی توقع داشته و بدون توجه به محدوده وظایف تعریف شده آنها آنان را ملزم به پاسخگویی می‌دانند که این خود حکایت از عدم شناخت مفهوم سازمان غیردولتی، به صورتی گسترده در میان شهروندان است و گاهی نیز با نگرش جامعه به این سازمانها، با پیش فرض انتفاعی و محکوم به شکست بودن رفتار آنها، جامعه بدانها بی‌اعتماد می‌باشد. در این خصوص براساس یافته‌های پژوهش موصوف، عدم شرکت متوازن طبقات و بخشهای مختلف جامعه در بدنه سازمانهای غیردولتی به صورتی که برخی از لایه‌های اجتماعی آن سازمان غیردولتی را به اصطلاح «خودی» ندانند نیز مزید بر علت گردیده تا در اینخصوص مشکلات دو چندان شود.

### ب-۲. سطح دوم (مرتبط با سایر سازمانهای غیردولتی)

نگاه امنیتی و کمبود سازمانهای غیردولتی همکار یا فعال در زمینه‌های مشابه و فعالیتهای غیرقانونی و غیر شرعی برخی از سازمانهای غیردولتی که محقق با عنوان فعالیتهای کلاهبردارانه از آن یاد می‌کند، همچنین عدم اجماع سازمانهای غیردولتی در اهداف، ارزشها و استراتژیهای مشترک، فقدان فرهنگ مشارکت در میان این سازمانها، ضعف دانش جمعی و بی‌اعتمادی به یکدیگر و عدم وجود درک کافی از ضرورتهای تشکیل شبکه که مصاحبه شوندگان بدان اشاره نموده‌اند از جمله عواملی است که موجب عدم تشکیل شبکه یا خدشه‌دار شدن تعامل مستمر بین سازمانهای موصوف می‌گردد.

### ب-۳. سطح سوم (رابطه با دولت)

در اینخصوص از جمله مواردی که با توجه به یافته‌های پژوهش موصوف می‌توان به آنها اشاره نمود عبارتند از:

ب-۳-۱. ضعف قوانین تأسیس سمن و ناهماهنگی دستگاه‌های دولتی متولی:  
به عقیده محقق در این خصوص از جمله مهمترین مشکلات سازمانهای غیردولتی در مرحله تأسیس و تمدید مجوز بوده که می‌توان ذیل معضل اصلی «وابستگی قوانین به رویکرد دولتها و سلیقه‌ای بودن آن» دسته‌بندی کرد. در این رابطه بنا بر نظر فعالان اجتماعی موضوع پژوهش مذکور عدم ثبات سیاسی در دولت که منجر به برخورد سلیقه‌ای در زمینه ثبت سازمانها شده و اینکه نهادهای دولتی مختلفی متولی امر تأمین سازمانهای غیردولتی هستند و تقسیم فرآیند ثبت سازمانها میان چندین نهاد دولتی (وزارت کشور، ناجا، اطلاعات، سازمان ثبت) و بدنبال آن ناهماهنگی و تعارض دستگاه‌های حکومتی با هم که خود موجب کندشدن روند ثبت سازمانها می‌باشد از جمله موضوعاتی است که بدان اشاره نموده‌اند که نتیجه‌ای جز دلسردی و بی‌انگیزگی فعالان اجتماعی

در ابتدای مسیر ندارد.

ب-۳-۲. عدم اعطای شخصیت حقوقی به سازمانهای غیردولتی جهت انجام امور اداری و بانکی و الزام به ثبت سازمان به عنوان شرکت تجاری :

چنین شرایطی خود منجر می‌شود که سمن زیرمجموعه سازمان دارای قرار بگیرد و با مشکلاتی در زمینه نظارت مالیاتی روبرو شوند ضمن اینکه به عقیده آنها تمدید مجوز سالیانه و فرآیند تمدید که گاهی سخت تر و پیچیده تر از ثبت است از دیگر مشکلات موجود در این راستاست.

ب-۳-۳. وابستگی مالی و عدم استقلال از دولت:

در این خصوص بر اساس یافته‌های پژوهش مورد اشاره، وابستگی مالی سمن‌های فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی به دولت از مهمترین چالشهایی است که فعالان به آن اشاره کرده‌اند. به نظر فعالان وظیفه سازمانهای غیردولتی حفاظت از حقوق مردم و نقد دولت است و وابستگی مالی آنها به دولت استقلال فکری آنها را مخدوش کرده و به شدت به آن آسیب می‌زند.

ب-۳-۴. بی‌اعتمادی دوطرفه میان دولت و سمن‌ها :

نگاه از بالا به پایین و امنیتی و غیرصحیح از طرف دولتها نسبت به سمن‌ها به صورتی که در نتیجه چنین نگاهی اساساً دولت نقش تصمیم‌ساز برای آنها قائل نیست و از طرفی بی‌اعتمادی سازمانهای غیردولتی به دولت و حس استفاده‌ناپذیری دولت از آنها خود منجر به عقیم ماندن طرح‌ها و تداوم چرخه بی‌اعتمادی است.

ب-۳-۵. فقدان رویکرد منسجم و یکدست سمن‌ها به دولت :

در این رابطه محقق در پژوهش بعمل آمده مستند به اظهارات فعالان و مصاحبه‌های صورت گرفته به این نتیجه دست یافته است که سمن‌های فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی، خود نیز مطالبات مشخص و شفاف ندارند و در خصوص دولت رویکرد منسجم و یکدستی اتخاذ نمی‌کنند. در واقع خود این سازمانها هم نمی‌دانند با چه رویکردی با دولت روبرو شوند. فعالان بخشی از این ابهام در مناسبات را به « نبود شبکه» بین سمن‌ها نسبت می‌دهند. در مقابل اما دولت با این یکپارچگی و شبکه‌ای شدن همراه نیست و فعالان احساس می‌کنند که دولت با قدرتمند شدن، متشکل و شبکه‌ای شدن سازمانهای غیردولتی مخالف است، زیرا در این صورت باید به مطالبات گسترده این تشکل‌ها و شبکه‌ها پاسخگو باشد.

ب-۳-۶. عدم وجود همسازی و درک مشترک دولت و سازمانهای غیردولتی از مفاهیمی چون مشارکت:

براساس یافته‌ها و نتایج بدست آمده از پژوهش صورت گرفته مورد اشاره به باور فعالان اجتماعی، گاهی مسئولین با فعالیتهای سازمانهای غیردولتی آشنا نبوده، توانمندی آنها را نمی‌دانند و به



ضرورت مشورت گرفتن از سازمانهای غیردولتی واقف نیستند. به زعم فعالان این مسئله ناشی از تفاوت فرهنگ سازمانی دولت و سازمانهای غیردولتی است زیرا که دولت برای سازمانهای غیردولتی حق ابراز بیان قائل نیست. در این خصوص نیز عدم یکپارچگی دولت و به تبع آن فقدان نگاه یکسان در سرتاسر دولت نسبت به این سازمانها و نیز عدم ثبات سیاسی از دولتی به دولتی دیگر و بی اعتمادی ناشی از آن از جمله دیگر مواردی است که به عنوان یک چالش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

ب-۳-۷- مشخص نبودن معیارها و سازوکار نظارتی دولت:

به زعم فعالان موضوع تحقیق در پژوهش استنادی موصوف، در دولت نه معیارهای مشخصی برای نظارت و نه سازوکار مشخصی برای این امر وجود ندارد و آنچه در عمل توسط دولت رخ داده، نوعی بی تفاوتی بوده است و در سالهای اخیر نیز تنها در بعضی از موارد دولت بدون زمینه قبلی وارد شده و با اتهام قانون شکنی یا تخلف یا انحراف با سازمانها برخورد کرده است و در زمینه نظارت نوعی موازی کاری و تعدد سازمانهای نظارت کننده وجود دارد، از سوی دیگر فعالان به این موضوع نیز اشاره نموده‌اند که به همان اندازه که دولت محق و موظف به نظارت بر سازمان‌های غیردولتی است یکی از نقشهای سازمانهای غیردولتی نیز، اعمال نظارت بر دولت از سوی مردم است در حالی که سازوکاری برای این امر پیش‌بینی نشده است.

## ۲-۲ سیاست جنایی مشارکتی واکنشی (پاسخگو)

در این خصوص نیز جلوه‌های مختلفی از مشارکت جامعه مدنی را در پاسخ‌دهی و واکنش به بزهکاری می‌توان مطرح نمود و به عبارتی سیاست جنایی مشارکتی در این بخش نیز در طیف گسترده‌ای در فرآیند کیفری در یک رسیدگی کیفری از بدو وقوع جرم تا مرحله کشف و تعقیب و رسیدگی در دادگاه و نیز اجرای حکم و در راستای باز اجتماعی نمودن بزهکار می‌تواند ایفای نقش نماید و لذا از آنجائیکه امروزه مداخله دولتها به تنهایی در واکنش و پاسخ‌دهی به رفتارهای مجرمانه خود موجب ایجاد مشکلات عدیده‌ای همچون افزایش هزینه‌های سنگین، تورم جرائم و افزایش بزهکاری و از طرفی نارضایتی جامعه نسبت به عملکرد دستگاه نظام عدالت کیفری شده لذا در این بخش از سیاستهای اتخاذی نیز بدنبال بحران ایجاد شده و ناکارآمدی سیاستهای قبلی امروزه اندیشه مشارکت جامعه مدنی در حوزه واکنش و پاسخ‌دهی به رفتارهای مجرمانه در کلیه مراحل و فرآیند کیفری در برون رفت از بحران ایجاد شده مطرح می‌باشد به صورتی که امروزه جلوه‌های گسترده‌ای از مداخلات و مشارکت مردم را در طول فرایند کیفری در کشورهای مختلف می‌توان رصد نمود.

در این راستا اختیار شروع تعقیب و ایراد اتهام به افراد عادی به صورتی که هر کسی بتواند دعوی

عمومی را به جریان بیندازد، طرح عنوان تعقیب اجتماعی و اعطای عنوان مدعی خصوصی به تشکلهای خصوصی، مشارکت مردم در کشف جرم با حق دستگیری در شرایط جرم مشهود با در نظر گرفتن عناوینی چون «بازداشت بخش خصوصی» یا «بازداشت شهروندی» در قوانین بسیاری از کشورها، خصوصی‌سازی و کنترل بزهکاری از نوع مشارکت مردم در قالب کارآگاهان خصوصی، نقش مثبت رسانه‌های گروهی در کشف و تعقیب جرائم به عنوان یکی از ابزارهای مهم مشارکت‌دهنده مردم، مشارکت مردم در مرحله رسیدگی و از جمله موضوع شهادت شهود در دادگاه به عنوان جلوه‌ای سنتی از مشارکت مردم، علنی بودن رسیدگی به عنوان یکی از مظاهر حقوق دفاعی متهم، حضور قضات غیرحرفه‌ای مردمی با عنوان هیأت منصفه و به عنوان نماینده افکار عمومی که به محاکمات جنبه مردمی می‌دهد، شوراهای حل اختلاف و مشارکت انجمنها و سازمانهای غیردولتی در مرحله رسیدگی به عنوان مراجع اجتماعی در راستای میانجیگری و داوری و صلح و سازش و پیدایش اندیشه‌های «کیفرزدایی» و «قضازدایی» و به ویژه «عدالت ترمیمی» و «الغاء گرای نظام کیفری» که به ترمیم و مقابله با آثار جرم در جامعه از طریق مشارکت ارکان مختلف جامعه مدنی و از جمله بزه‌دیده، بزهکار و مردم تمرکز داشته استفاده از روشهای «محیط باز» و «نیمه آزادی» و نیز رفع بعضاً آثار زیانبار زندان و اصلاح آن از جهت بازپروری و بازپذیری اجتماعی مجرمین در مرحله اجرای حکم با کمک و مشارکت مردم با موضوع «جایگزین‌های زندان» یا «مجازاتهای اجتماعی» یا «مجازاتهای بینابین» و در جلوگیری از تکرار جرم و غرق شدن آنها در ورطه بزهکاری از مسیر اقداماتی چون اقدامات مشارکتی مردم در قالب مؤسسات خصوصی در داخل زندان و ایجاد نهادهایی در راستای کار در زندان در حین اجرای حکم<sup>۱</sup> حمایت، مراقبت و پشتیبانی با اعمال سیاستهای مشارکتی در جهت قراردادن شخص در مسیر بازگشت به زندگی اجتماعی و از جمله تأمین مسکن، اشتغال و رفع نیازهای مادی و معنوی و حل مشکلات و مسائل مختلف زندگی فردی و اجتماعی افراد از طریق نقش مهمی که سازمانهای غیردولتی در این راستا می‌توانند داشته باشند. از جمله مداخلاتی است که در این بخش از سیستمهای مشارکتی امروزه در دست اجراست.

در این راستا قانون‌گذار ایرانی نیز با نوآوری‌های جدید در قوانین اخیر التصویب و از جمله در مواد ۶۶، ۸۱ و ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی آن در سال ۱۳۹۴ و نیز قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ گامهای بلندی را در این حوزه از سایت جنایی برداشته

۱. در این رابطه رجوع شود به مقاله‌ای با عنوان مشارکت مردم در فرآیند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی) نوشته دکتر ولی رستمی. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی سال سی و هفتم شماره ۲ تابستان ۸۶ صفحات

است. حق اقامه دعوی، اعلام و شروع به تعقیب جرم و شرکت در تمام مراحل دادرسی (به جزء در موارد استثناء موضوع تبصره ۴ ماده ۶۶) و حتی تکلیف در اطلاع رسانی به آنها متعاقب کشف جرم (توسط پلیس در دستگاه قضا) و در نظر گرفتن جایگاه برای موضوع رضایت، از جمله اقداماتی است که می‌توان در قوانین برای چنین سازمانها و نهادهایی رصد نمود و همچنین استمداد از ظرفیتهای جامعه و نهادهای اجتماعی در فیصله دادن به اختلافات و جرایم خرد و سبک، ارجاع اصحاب دعوی در جرائم درجه ۶، ۷ و ۸ بنا به توافق آنها به شوراهای حل اختلاف برای میانجیگری، قراردادی شدن حقوق کیفری و بدنبال آن توافق مقام قضایی و بزهکار در خصوص سرنوشت دعوی کیفری و چگونگی پاسخ دهی به پدیده مجرمانه، وارد شدن جانشین‌های کیفری در فرآیند دادرسی و از جمله موضوع تعویق و تعلیق تعقیب، بایگانی کردن پرونده و استفاده از جایگزین‌هایی علاوه بر جایگزینهای سنتی همچون دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و... نیز از جمله گامهای مهم و اساسی است که در رسیدن به یک سیاست جنایی کارآمد در اینخصوص برداشته شده است.

## ۲-۳ بررسی و تحلیل جایگاه و نقش سیاست جنایی مشارکتی موجود در رویارویی یا مجرمین حرفه‌ای

در بحث پیرامون جایگاه و نقش سیاست جنایی مشارکتی کنشی با عنایت به مطالب پیش گفته و تحقیقات صورت گرفته و اهمیت و ضرورت مشارکت کارآمد و قوی مردم در رفع معضلات اجتماعی حاکم بر زندگی این دسته از افراد و ارتقاء سطح و سبک زندگی آنها از جهات مختلف و بدین نحو جلوگیری و پیشگیری از ورود آنها به این عرصه از بزهکاری از یک سو و از سوی دیگر تلاش در جهت جلوگیری از تکرار جرم و جلوگیری از پایداری بزهکاری در آنها از طریق نهادها و سازمانهای اجتماعی خصوصاً سازمانهای اجتماعی غیردولتی، ملاحظه می‌گردد که علیرغم اینکه تعداد سمن‌هایی که در حوزه آسیب‌های اجتماعی فعالیت می‌نمایند رو به افزایش است و لیکن مشکلات پیرامون آنها و موانعی که در مسیر فعالیت آنها در حال حاضر موجود می‌باشد به شرحی که نتایج پژوهش‌های صورت گرفته نیز حاکی از آن است جملگی کارآیی و بازدهی چنین سازمانهایی را کاهش داده که مسلماً با چنین وصفی از اهدافی که از طریق چنین سازمانهایی در تمرکز بر جلوگیری و پیشگیری از ورود به این عرصه از بزهکاری و نیز کنترل این دسته از افراد و باز اجتماعی کردن آنها دنبال می‌کنیم دور می‌شویم.

در ادامه در بحث پیرامون موضوع سیاست جنایی مشارکتی واکنشی نیز ضمن اینکه باز با مشکلات مطرح شده در ارتباط و پیرامون سازمانهای اجتماعی غیردولتی (سمن‌ها) مواجه هستیم. در بهره برداری از راهبردهای سیاست جنایی واکنشی موجود نیز علیرغم گامهای مهمی که به لحاظ تقنینی

در حوزه سیاست جنایی تقنینی به شرح فوق برداشته شده کماکان با عنایت به شرایط و موقعیت این دسته از مجرمین باز با محدودیت‌های عدیده قانونی در به کارگیری بعضاً راهبردهای سیاست جنایی مشارکتی در ارتباط با آنها مواجه هستیم و از آنجائیکه اساساً بسیاری از راهبردهای مورد اشاره در خصوص نوع و درجه خاصی از جرائم قابلیت اجرا دارد عملکرد این دسته از افراد نیز با توجه به نوع جرائم ارتكابی و بحث تکرار جرم در آنها خود محدودیتهایی را در اجرای بسیاری از راهبردهای مذکور برای ما در ارتباط با آنها ایجاد می نماید و بعضاً ما را در رسیدن به اهداف مورد اشاره در این شرایط و مقطع ناکام می گذارد که بدیهی است بحث پیرامون آن خود نوشتار مستقل دیگری را می طلبد ضمن اینکه مشکلات و موانع دیگری که عمدتاً ناشی از بخشهای دیگر سیاست جنایی در حوزه های تقنینی و قضایی و اجرایی است و به عبارتی از بحران موجود در سیاست جنایی تقنینی و قضایی و اجرایی نشأت می گیرد نیز خود مزید بر علت گردیده است که به واقع باید گفت موفقیت در مسیر اجرای راهبردهای سیاست جنایی مشارکتی به نظر خود مستلزم موفقیت در حل بحران‌ها و رفع مشکلات و نواقص موجود در سایر حوزه‌های سیاست جنایی نیز می باشد که قطعاً پس از شناسایی کامل چنین مشکلات و موانعی می بایست در مقام رفع آنها نیز برآییم.

### نتیجه گیری

همانگونه که در نوشتار و پژوهش حاضر بدان اشاره گردید، باتوجه به اهمیت و ضرورت اتخاذ یک سیاست جنایی کارآمد و مؤثر در رویارویی با این دسته از مجرمین که چنانکه بیان گردید اگرچه در اقلیت می باشند ولیکن با ارتكاب درصد بالایی از جرائم چالشهای فراوانی را در پیش روی دست‌اندرکاران دستگاه نظام عدالت کیفری قرار داده‌اند، لذا در بررسی سیاست جنایی مشارکتی موجود در ارزیابی آن با سیاست جنایی مشارکتی مورد انتظار به عنوان یکی از مهمترین اجزاء و ارکان سیاست جنایی کشور، چنین برداشت می گردد که اگرچه گامهای مهمی در این مسیر به شرح منعکس در قوانین برداشته شده است ولیکن در ادامه باتوجه به تحلیلها و مطالب پیش گفته و باتوجه به اینکه در بسیاری از بخشهای سیاست جنایی مشارکتی موجود آنگونه که می بایست از رهیافتهای علم جرم‌شناسی بهره برداری گردد عمل نشده و به شکل مورد انتظار هدفمند و روشمند نبوده و از طرفی موانع و مشکلات عدیده موجود در این حوزه از سیاست جنایی به نظر از بحران و مشکلات و نواقص و خلأهای موجود در سایر ارکان و اجزاء سیاست جنایی (تقنینی، قضایی و اجرایی) نیز نشأت می گیرد که این نیز خود مزید بر علت گردیده تا فاقد استراتژی مورد انتظار در این حوزه از سیاست جنایی باشیم، لذا با عنایت به مراتب و مطالب معنونه

به شرح فوق و نیز باتوجه به حجم بالای دعاوی مطروحه و آمارهای موجود، سیاست جنایی مشارکتی موجود، کفایت لازم را در رسیدن به اهداف مورد انتظار نمی‌نماید و به عبارتی علیرغم گامهای مهمی که برداشته شده، به دلایل و جهات مطرح شده کماکان ناکارآمد است.

### **تشکر و قدردانی**

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

## منابع

- آبروشن، هوشنگ (۱۳۹۵)، **سیاست جنایی ایران در قلمرو جرایم اقتصادی**، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۴)، **سیاست جنایی مشارکتی**، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- حسینی، سید محمد (۱۳۹۴)، **سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران**، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه انتشارات چاپ دانشگاه تهران و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- حسینی، سید مرتضی (۱۳۹۴)، **چکیده مفاهیم علوم جنایی**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- دلماس مارتی، می ری (۱۳۹۳)، **نظامهای بزرگ سیاست جنایی**، برگردان دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- رازقی، نادر؛ لطفی، بهنام (۱۳۹۷)، **تحلیل جامعه شناختی چالشهای بقا و پایداری سازمانهای مردم نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ با تأکید بر رابطه آنها با دولت. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی**، دوره پنجم، شماره ۱۱.
- رستمی، ولی (۱۳۸۶)، **مشارکت مردم در فرآیند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)**، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۷، شماره ۲.
- عظیم‌زاده، شادی (۱۳۹۰)، **پایداری در بزهکاری**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- عظیم‌زاده، شادی (۱۳۹۰)، **نگاهی جرم‌شناسی بر پدیده پایداری در بزهکاری در ایران**، همایش استاد دکتر حسن دادبان، دوره ۱.
- غلامی، حسین (۱۳۸۲)، **تکرار جرم (بررسی حقوقی، جرم‌شناختی)**، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۴)، **مبانی جرم‌شناسی**، چاپ هفتم، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا (۱۳۸۵)، **سیاست جنایی قضایی**، تهران، نشر سلسبیل.
- لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)، **درآمدی به سیاست جنایی**، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- مهدوی، محمود (۱۳۹۷)، **پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد مدار)**، چاپ سوم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب انسانی دانشگاهها (سمت) پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- نوروزی، نادر؛ نبی‌زاده اصل، رعنا (۱۳۹۳)، **موقعیت پیش جنایی و نقش آن در ارتکاب جرم**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.